به مخاطب باج نمی‌دهیم

«فیلم سینمایی خوب، بد، جلف۲» ساخته پیمان قاسمخانی در سالن رسانه‌های جشنواره فیلم فجر اکران شد.کارگردان در این نشست به انتقادات و سوالاتی که درباره شوخی‌های این فیلم کمدی مطرح بود توضیحاتی ارائه کرد و سبک کمدی این فیلم را متفاوت با برداشت‌های حاضران دانست. او گفت: این سبک شوخی که در فیلم می‌بینید صد درجه بالاترش در جامعه هست. من در حد عرف جامعه حرف زدم. ما یک شوخی تمیز کردیم و انگ جنسی زدن به فیلم درست نیست.

آن‌طور که ایسنا گزارش کرده، او اظهار کرد: من هیچ فیلمی را فقط برای گیشه نمی‌سازم و دوست دارم بهترین کار را بنویسم و البته هیچ باجی هم برای خنداندن به مخاطب نمی‌دهم. به طور مثال سکانس‌های خیلی خنده‌داری را از پژمان جمشیدی حذف کردیم.

به گفته قاسمخانی، فیلم در ابتدا ۱۸۲دقیقه بوده و بعد به ۱۱۵دقیقه تبدیل شده است، ضمن این‌که بیشتر بازی‌های گوهر خیراندیش از فیلم حذف شده است.

ویژه جشنواره فیلم فجر

ساخته محمدحسین مهدویان می‌گویند

پایان

مواردی است که منتقدان به آن اشاره می‌کنند

«درخت گردو» آخرین ساخته محمدحسین مهدویان دقیقا مانند یک سند تاریخی در نمایش گوشه‌ای از آنچه طی هشت سال جنگ تحمیلی بر مردم ما گذشته عمل می‌کند. این فیلم زندگی خانواده قادر مولان‌پور را در بحبوحه بمباران شیمیایی روستاهای سردشت در تابستان سال ۱۳۶۶ بیان می‌کند. این فیلم روایتی است واقعی از مردمانی که امروز دیگر برای خیلی از ما فراموش شده‌اند.

بعد از اکران این فیلم در سینمای رسانه جشنواره فیلم فجر، منتقدان سینما اظهار نظرهای متفاوتی درباره این فیلم داشتند که در گزارش امروز جام جم برخی از آنها را می‌خوانید.

همسرش هم در آن روزهای سیاه و شوم حامله بوده که در یکی از بیمارستان‌های تبریز در شرایطی سخت، وضع حمل کرده.. او که برای دفن یکی دیگر از فرزندانش از تبریز راهی سردشت شده بود وقتی بازمی‌گردد با جسد بی جان همسرش روبه‌رو می‌شود. مام قادر تصمیم می‌گیرد از کنار این اتفاق ساده نگذرد و تمام تلاش خود را برای خون‌خواهی می‌کند. او با چند نفر از اعضای انجمن دفاع از حقوق مصدومین شیمیایی سردشت و جانبازان شیمیایی این شهر راهی لاهه هلند شد تا در دادگاه محاکمه یکی از دلال‌های سلاح‌های شیمیایی عراق شرکت کند، هر چند با بیان سرگذشت خود، همه حضار را تحت تاثیر قرار دارد. بعد از حرف‌هایش دادگاه نیم ساعت تعطیل شد و در نهایت صحبت او و سه نفر دیگر از سردشتی‌ها باعث شد فرانس فانراد، تبعه هلندی و دلال و فروشنده مواد تهیه سلاح شیمیایی به حکومت صدام به ۱۷ سال زندان محکوم شود. فقط ۱۷ سال زندان برای اتفاقی که صدها شهید و جانباز شیمیایی در سردشت بر جا گذاشت. مام قادر ۱۱ دی ۹۵ درگذشت و زیر همان درخت گردویی که فرزندانش را دفن کرده بود، به خاک سپرده شد.

آزاد مولان‌پور از واقعه حلبچه و روزگار پدرش مام قادر در سال‌های پس از آن می‌گوید

رنج‌هایی که فراموش نمی‌شود

زینب مرتضایی‌فرد

فرهنگ و هنر

خیلی‌ها تصور می‌کنند همه فرزندان مام قادر در حادثه شیمیایی سردشت شهید شده‌اند اما دو پسر او از این واقعه جان سالم به در برده‌اند و زنده هستند. آزاد مولان‌پور، یکی از پسران مام قادر است؛ با او درباره واقعه سردشت و تاثیری که بر زندگی شان گذاشته است، حرف زدیم. از حال و روز پدرش پس از واقعه سردشت تا پایان زندگی و تلخی‌هایی که حمله شیمیایی رژیم بعث به این شهرستان وارد کرده است. آزاد مولان‌پور هم پس از این همه سال هنوز نتوانسته واقعه تلخ آن سال را فراموش کند و فکر می‌کند درست مثل پدرش و تمام مردمی که تلخی‌های زمان حمله شیمیایی را دیده‌اند تا پایان عمر همیشه ذهنش درگیر آن دوران بماند.

این روزها فیلم درخت گردو در جشنواره فیلم فجر اکران می‌شود. شما فیلم را دیده‌اید؟

نه، اما فیلمنامه اش را خواندم و تایید کردم.

از آن کاملا راضی بودید؟

بالاخره هر کاری ایرادهایی دارد، اما در کل خوب بود که برگه تاییدیه را امضا کردم.

همه جا نوشته شده پدرتان تا آخر عمر واقعه سردشت را فراموش نکرده. درست است؟

بله.، هیچ وقت از یادش نرفت. همیشه همه چیز را مرور کرد و گریست. بیش از هر چیز هم فکر و یاد خواهر گمشده مان آزارش می‌داد.

شما زمان واقعه سردشت به دنیا آمده بودید؟

بله. من هشت ساله بودم. پر از شور زندگی و علاقه به خانواده و مادرم. اما این خوشی‌ها و دلخوشی‌ها زود تمام شدند.

چه چیزی از آن دوران به خاطر دارید؟

بدبختی. آنقدر تلخ بوده آن روزها که هر وقت یادم بیاید حالم بد شود و گریه کنم.

و چقدر ذهنتان می‌رود به آن روزها؟

زیاد.... روزهای بدبختی و بی مادری. روزهایی که هر جا و هر چیز را نگاه می‌کردی آن‌قدر تلخ بود که هیچ وقت آدم را راحت نگذارد. بمب و خمپاره... و مرگ.... فکر کنید جایی بمب شیمیایی بزنند، از مردمش اگر زنده بمانند هم چیزی نمی‌ماند جز درد. دردی که برای همیشه با پدرم، با مردم ما و من ماند.

شما فرزند دارید؟

بله، سه فرزند دارم.

از شما درباره واقعه سردشت و پدربزرگشان هم می‌پرسند؟

بله. درباره پدرم که مدام می‌پرسند. چون پدرم خیلی دوستشان داشت و آنها هم پدرم را. من هم برایشان از دردی می‌گویم که پدرم سال‌ها تحمل کرد و گریست. دردی که خودم هم نمی‌توانم فراموشش کنم.

خیلی‌ها مام قادر را نمی‌شناختند و حالا درخت گردو راهی می‌شود برای آشنایی با او به‌عنوان یک قهرمان. قبل تر هم کسی آمده بود تا از زندگی او کتاب یا فیلمی تهیه کند؟

بله. یک خانم عزیزی به نام مریم هم آمده بود. مریم خانم مثل خواهرم است و فکر کنم حالا هم از من ناراحت است که رضایت دادم گروه دیگری درباره پدرم فیلم بسازند. مستندی هم آقای آزادپور ساخته است، اما هیچ کار دیگری نشده و کسی سراغ پدرم و زندگی اش نیامده بود. در هر صورت حالا خوشحالم که مردم با پدرم و رنج‌هایی که یک عمر با آن زندگی کرد، آشنا می‌شوند.

شما با مردم سردشت زندگی کرده‌اید. فکر می‌کنید بقیه هم داستان‌هایی داشته باشند که بشود سراغشان رفت و درباره‌شان اطلاع‌رسانی کرد، فیلم ساخت یا داستان نوشت؟

بله. حتما دارند. مردم کرد همه داستان‌های بسیاری دارند از آن روزگار. داستان‌هایی که شاید همه شبیه هم باشند و تفاوت‌هایشان کم باشد، اما ارزش شنیده شدن دارند و روایت رنج و درد آدم‌هایی هستند که مشغول زندگی بودند. ما هم در روستایمان مشغول زندگی بودیم و اصلا فکرش را هم نمی‌کردیم که چنین اتفاق تلخی بخواهد جلوی جریان زندگی مان بایستد. اما...

اما زندگی ادامه دارد...

بله. اما رنج‌ها از یادمان نمی‌رود. من هرگز از هفت سالگی تا امروز نتوانسته ام آن اتفاقات را فراموش کنم. پدرم هم تا پایان عمرش نتوانست.

مام قادر؛ شخصیتی که فیلم درخت گردو درباره زندگی او ساخته شده است

رنج‌های ناتمام مام قادر

رنج‌های مام قادر تمامی ندارد. پسرش آزاد از خواهر گمشده‌ای که پدر هرگز فراموشش نکرد، حرف می‌زند، آنها که درخت گردو را دیده‌اند هم می‌دانند ماجرای دختر گمشده چیست. مام قادر اعضای خانواده‌اش را یکی یکی می‌برد و زیر درخت گردو به خاک می‌سپارد. وقتی همسرش را هم می‌برد و دفن می‌کند، برمی‌گردد تا نوزاد را تحویل بگیرد. اما اثری از نوزاد نیست. او هر چه بیشتر می‌گردد، کمتر به نتیجه می‌رسد و تا پایان عمر اشک می‌ریزد برای همسر و فرزندان از دست رفته و دختری که نمی‌داند کجای ایران است و با چه کسانی زندگی می‌کند. روایت غم‌انگیزی است دیگر... پدری که هرگز دخترش را نمی‌بیند و دختری که نمی‌داند پدرش قهرمانی است که برای یافتنش هر کاری توانسته انجام داده و به هیچ رد و نشانه‌ای از دخترش نرسیده است...

مدیری و معادی از «درخت گردو» گفتند

مهران مدیری و پیمان معادی دو بازیگر فیلم حرف‌های جالبی درباره‌اش زده‌اند. مدیری با حضور در نشست رسانه‌ای فیلم در جشنواره از فیلم گفت و معادی هم که در سالن حضور نداشت، تلفنی حرف‌هایش را بیان کرد.

مدیری با عینک آفتابی به سالن آمده و گفت نخوابیده و گریه کرده. او عنوان کرد: «سال ۶۶ در سردشت حضور داشتم و تقریبا بخش بزرگی از این اتفاقات را از نزدیک دیدم. دوستی من با کارگردان، تهیه‌کننده، پیمان معادی و همچنین موضوعی که خاطرات بسیاری را برای من زنده کرد در کنار این که من عاشق مردم مهربان و آدم حسابی کرد هستم، دلایلی بودند که نمی‌توانستم در فیلم حضور نداشته باشم. دوست داشتم به کسانی که در دوران جنگ با مهربانی میزبان ما بودند، ادای دین کنم.»

مدیری از سختی‌های کار هم گفت: «ما صبح زود بیدار می‌شدیم و بیدار شدن در آن ساعت برای من فاجعه بود، چند بار ساعت ۶ صبح حرکت کردیم و به سنندج رفتیم و ساعت‌ها در راه بودیم. همچنین در مسیر پنج ساعت در راه بودیم، به بهانه‌های مختلف به بانه می‌رفتیم و عذاب می‌کشیدیم.» پیمان معادی هم تلفن زد به مهدویان و از سردشت و مردم کرد گفت: «سیمرغ و بازتاب بین‌المللی برایم اهمیتی ندارد؛ فیلم بسیار مهم‌تر از این حرف‌هاست. من هم عاشق کردها هستم و از مردم کردستان تشکر می‌کنم که به من اجازه دادند لباس فاخرشان را بر تن کنم. آنها درهای خانه‌هایشان را به روی ما باز کردند و اجازه بازی و نشان دادن یک دوره زمانی و یک رویداد از مردم ایران را دادند. امیدوارم حق مطلب را ادا کرده باشم و می‌خواهم جلوی این مردم که طی سالیان رنج کشیده‌اند، سر تعظیم فرود آورم.»

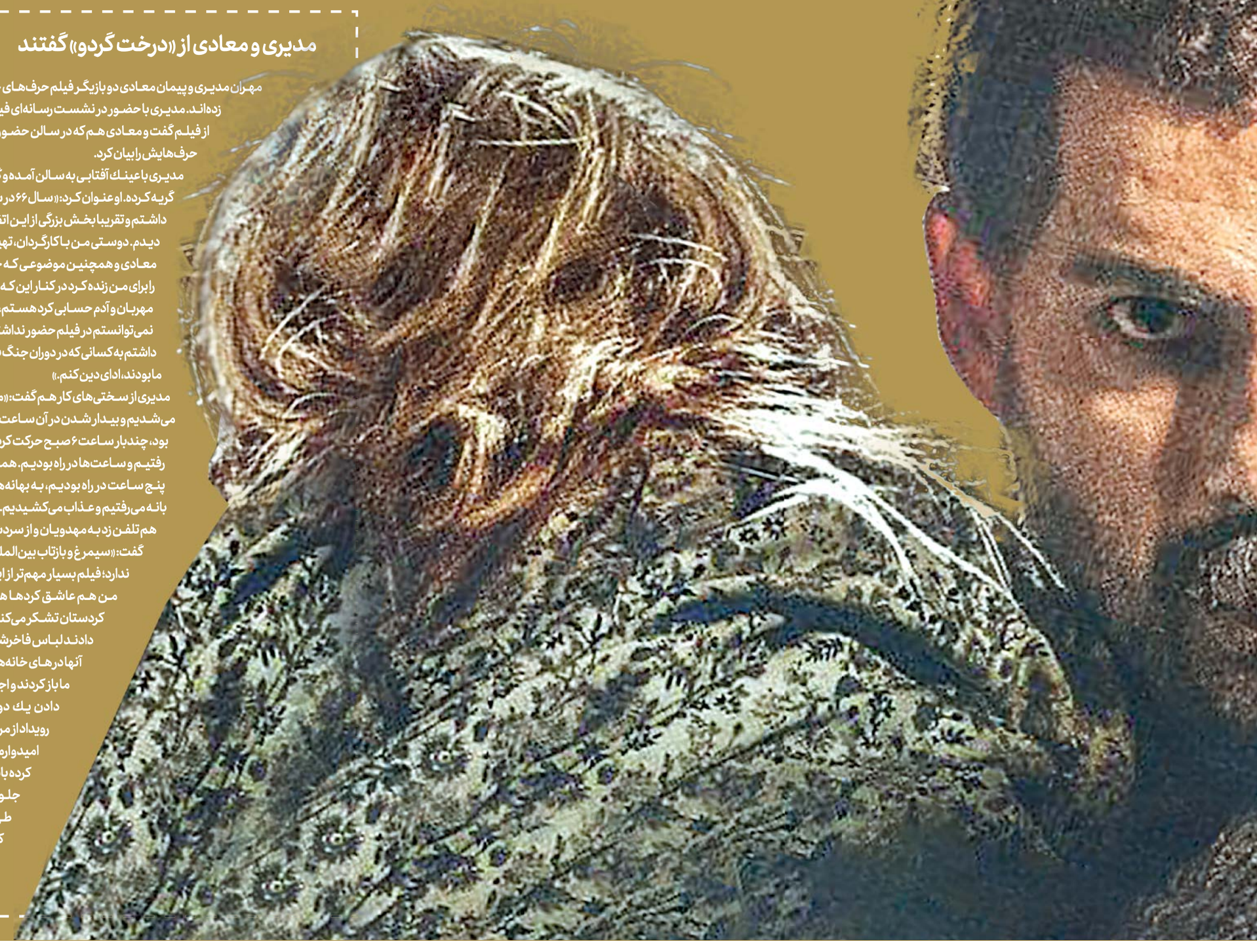

مجازآباد

مثل هر روز در فضای مجازی رفته‌ایم سراغ واکنش‌هایی که کاربران نسبت به فیلم‌های اکران شده در جشنواره سی‌وهشتم فجر دارند. #درخت_گردو آخرین ساخته محمدحسین مهدویان این روزها خیلی مورد توجه کاربران قرار گرفته و نقدهایی را نسبت به آن مطرح کرده‌اند

علی

Tweet

شش روز از جشنواره فجر می‌گذره و هیچ حرفی درمورد فیلم‌ها نزدم، اما درمورد درخت گردو سکوت نمی‌کنم. درخت گردو خیلی فیلم شریف و انسانی و تلخیه از امروز خیلی بیشتر خجالت می‌کشم از کردهای نازنینمون

۴ ۱ ۱۵

کبری آسوپار

Tweet

#درخت_گردو بیش از روایت تاریخ ایران، به روایت آنچه ظلم تاریخی به قوم کُرد می‌نامند، می‌پردازد. ماجرای فیلم ظلم غربی‌ها و صدام به مردم ایران و عراق نیست؛ ماجرای ظلمی با فاعل مجهول به کُردهاست؛ از سردشت تا حلبچه هویت ایرانی و عراقی نمی‌بینیم، فقط می‌گویند کُرد. هویت ظالم هم ناشناس!

۳ ۲ ۳۵

غزاله شاه محمدی

Tweet

درسته جشنواره فجر رو تحریم کرده بودیم ولی پای فیلم درخت گردو چقدر گریه کردم.

۲ ۲ ۲۵

ایزد مهرآفرین

Tweet

#درخت_گردو/#محمد_حسین_مهدویان یک شروع تکان دهنده و غافلگیر کننده که راه تنفسی در ادامه برای مخاطبش نمی گذارد و گریه و گریه پشت سر هم. از یک جایی به بعد دیگه نمیشه به پرده سینما نگاه کرد. بی شک هیچ فیلمی در تاریخ سینمای ایران به این اندازه مخاطبش را دچار ماتم نکرده است.

۵ ۳ ۱۵

رضا خوشنام

Tweet

دیشب فیلم #درخت_گردو رو دیدم و فقط خدا می داند خرداد ۱۳۶۶ به مردم سردشت چه گذشت. دردی برای یک ملت که به فراموشی سپرده شده... فیلمی خوش ساخت از محمدحسین مهدویان به نویسندگی ابراهیم امینی و حسین حسنی و بازی خوب پیمان معادی و با احترام به کارگردان، انتخاب اشتباه مهران مدیری.

۲ ۲ ۱۵

صباء

Tweet

داشتم کم کم بهبود می‌یافتم که رفتم فیلم درخت گردو رو دیدم.

بی اقرار همه سالن اشک میریختن.

۹ ۵ ۷

بهمن

Tweet

آقای معادی گریه می‌کرد، کل سینما باهاش گریه می‌کردن.

#درخت_گردو

۱ ۱ ۸

حضرت دیپلماسی

Tweet

آقای مهدویان!

توی فیلم #درخت_گردو ت ماجرای سردشت و ظلمی که به مردم شده بود رو نشون دادی، ممنون. ولی ای کاش توی فیلم مسبب اصلی اون بمب‌های شیمیایی (اروپا) رو هم نشون می‌دادی، نه این‌که این جنایتکاران رو در قالب دادگاه لاهه به‌عنوان حق طلب و عدالتخواه معرفی کنی.

۵ ۲ ۱۰